

Investigation and analysis of "Utopia" in Golestan Saadi and the Makhzan Al-asrar Nizami

Fatemeh Mosavi¹

Bachelor of Quran and Hadith Sciences, Bint Al-Hoda Faculty of Qom, Qom,

Supervisor: Majid Jafari²

Assistant Professor of Qom Language, Literature & Culture Education
Complex, Qom, Qom, Iran

Abstract

The coordinates of the ideal city or the utopia, which has been used with definitions such as Utopia, Nowhere, and Utopia, can be found in two ways. One is to study the works of those who have directly talked about the utopia and the ideal life environment of man and the other is to examine and consider the works that explain the principles and characteristics for human behavior and life and apply them. It is considered as the guarantor of human happiness and in terms of their impact on the living space, in another way, it implies the interpretation and introduction of an ideal city. This research, which was conducted in an analytical-adaptive manner, investigated and analyzed the utopia in Golestan Saadi and the Nizami Makhzan Al-asrar, and the purpose of this research is to know the characteristics of the utopia in these two great works. Utopia or good city has always been one of the concerns of intellectuals and especially writers and poets and has had a prominent presence in literary texts. In this article, the authors have investigated the concept of utopia in the works of two great poets. For this purpose, they first explained this word and reminded a brief history of the lives of both poets, then analyzed their poems in order to analyze the idea of Utopia. The findings of the research showed that in most utopias, courage and then generosity are considered as the main characteristics of the residents of Madinah, and the position of these two qualities in Madinah is so high that many thinkers and philosophers They have devoted a large part of their book to it. **Keywords:** Utopia, Golestan, makhzan al-asrar, Courage, Generosity.

¹ Email: fatemeh.mossveii@gmail.com

² Email: mou.ir@6479810430

بررسی و تحلیل «آرمان‌شهر» در گلستان سعدی و مخزن الاسرار نظامی

فاطمه سادات موسوی^۱

دانشجوی کارشناسی علوم قرآن و حدیث، دانشکده بنت الهدی قم، قم، ایران

مجید جعفری^۲

استادیار مجتمع آموزش عالی زبان، ادبیات و فرهنگ قم، قم، ایران

چکیده

مختصات شهر آرمانی یا مدینه فاضله که با تعبیری چون آرمانشهر، ناکجا آباد و یوتوپیا در آرا و نظریات مختلف به کار گرفته شده است، از دو طریق قابل پی‌جویی است. یکی، از مطالعه آثار آنان که به طور مستقیم از مدینه فاضله و محیط زندگی آرمانی انسان سخن گفته‌اند و دیگر، از بررسی و غور در آثاری که اصول و ویژگی‌هایی برای مشی و زندگی انسان تبیین نموده و به کار بستن آنها را ضامن سعادت انسان شمرده و به لحاظ تأثیر آنها بر فضای زیست، به طریقی دیگر، متضمن تفسیر و معرفی شهر آرمانی است. پژوهش حاضر که به صورت تحلیلی-تطبیقی انجام گرفته است، به بررسی و تحلیل آرمانشهر در گلستان سعدی و مخزن الاسرار نظامی پرداخته است و هدف از انجام این تحقیق شناخت ویژگی‌های آرمانشهر در این دو اثر بزرگ است. آرمانشهر یا نیک‌شهر همواره به عنوان یکی از دغدغه‌های صاحبان خرد و اندیشه و خاصه ادیبان و شاعران بوده و حضوری پررنگ در متون ادبی داشته است. نگارندگان در این مقاله به بررسی مفهوم آرمانشهر در آثار دو تن از شاعران بزرگ پرداخته‌اند. به این منظور ابتدا به تبیین این واژه پرداخته و تاریخچه‌ای مختصر از زندگی هر دو شاعر را

1 Email: fatemeh. mossveii@gmail.com

2 Email: mou.ir@6479810430

بررسی و تحلیل «آرمان‌شهر» در گلستان سعدی و مخزن الاسرار نظامی / ۱۰۳

یادآوری می‌کنند، سپس به تحلیل سروده‌های ایشان در جهت واکاوی اندیشه آرمانشهر پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که در اغلب آرمانشهرها، شجاعت و پس از آن سخاوت، به عنوان ویژگی‌های اصلی ساکنان اهل مدینه در نظر گرفته شده است و جایگاه این دو صفت در مدینه فاضله به قدری بالاست که بسیاری از متفکران و فلاسفه بخش وسیعی از کتاب خود را به آن اختصاص داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آرمانشهر، گلستان، مخزن الاسرار، شجاعت، سخاوت.

۱. مقدمه

آرمانشهر یا نیک‌شهر همواره به عنوان یکی از دغدغه‌های صاحبان خرد و اندیشه و خاصه ادیبان و شاعران بوده و حضوری پررنگ در متون ادبی داشته است. آرمانشهر، نمادی از یک جامعه آرمانی و بدون کاستی است. همچنین می‌تواند نمایانگر حقیقت دست نیافتنی باشد. بشر در طول تاریخ آرزومند دستیابی به جامعه‌ای بوده است که در آن به خواسته‌هایش برسد و معنویت را با آرامش روحی - روانی و بی‌نیازی مادی درآمیزد. انسان از دیرباز در برابر ناکامی‌ها، بیدادگری‌ها و ناهمواری‌های زندگی سعی کرده، بر بال خیال و اندیشه سوار شده، طرح یک جامعه آرمانی را تصویر کند. انگیزه او از بیان این شهر خیالی این بوده است که از دردها و رنج‌های خود بکاهد و معایب و نواقص جامعه خویش را بازگو کند. از این اندیشه در شعر فارسی با نمادهای مختلفی یاد می‌شود که نتیجه نوعی غم غربت در نهان شاعر است که او را به تخیل جامعه‌ای آرمانی سوق می‌دهد.

نگارندگان در این مقاله به بررسی جایگاه آرمانشهر یا «مدینه فاضله» در آثار دو تن از بزرگان شعر و ادب فارسی، سعدی و نظامی پرداخته‌اند. به این منظور ابتدا به تبیین این واژه پرداخته و تاریخچه‌ای مختصر از زندگی هر دو شاعر را یادآوری می‌کنند سپس به تحلیل آرمانشهر در گلستان سعدی و مخزن الاسرار نظامی در جهت واکاوی اندیشه آرمانشهر در شعر آنان پرداخته‌اند. از دیگر اهداف این مقاله نگاهی غیر مستقیم به نقاط اشتراک و افتراق در دنیای مطلوب دو شاعر است.

نظامی در مخزن الاسرار جامعه آرمانی با نام «شهر نیکان» دارد. نظامی در «شهر نیکان» می‌کوشد تا به جامعه اندرز اخلاقی دهد و ابتدا خود با رفتارش به آن جهان مطلوب جامعه عمل بپوشاند، چرا که او به‌خوبی دریافته بود که اگر حکمت عملی را در زندگی فردی و اجتماعی به کار بندیم به جهان مطلوب دست خواهیم یافت.

در اغلب آرمانشهرها، شجاعت به عنوان یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های ساکنان اهل مدینه در نظر گرفته شده است و جایگاه آن در مدینه فاضله به قدری بالاست که بسیاری از متفکران و فلاسفه بخش وسیعی از کتاب خود را به آن اختصاص داده‌اند، از جمله افلاطون در کتاب چهارم از «جمهور» خود به بحث درباره شجاعت پرداخته و آن را از ویژگی‌های مردان جنگی یا معاونان زمامداران و سربازانی دانسته که حافظ مرز و بوم هستند.

در «مدینه فاضله» فارابی و «اخلاق ناصری» نیز به مفهوم شجاعت توجه شده است، البته شجاعت فقط منحصر به زور بازو و قدرت و فعالیت بدنی نیست؛ شجاعت امری درونی است و نوعی مبارزه با نفس اماره، بنا بر تعریف این بزرگان «شجاعت نوعی غلبه بر نفس است».

یکی دیگر از ویژگی‌های ساکنان اهل مدینه فاضله سخاوت است، در «شهر نیکان» مخزن الاسرار مانند «اخلاق ناصری»، سخاوت یکی از ارکان اصلی جامعه مطلوب به شمار می‌آید. به عقیده ساکنان آرمانشهر نظامی، یک جامعه آرمانی همواره با صفت احسان هدایت و اداره می‌شود، در چنین جامعه‌ای به احوال دردمندان و شوربختان و پیران و نیازمندان توجه بسیاری مبذول می‌شود؛ چرا که در عالم «شهر نیکان» همه افراد انسانی با هم همدلی و همدردی دارند. مردم سعادت جامعه را در گرو آن دانسته‌اند. اهل «مدینه فاضله» نظامی به همه احسان می‌کنند و فرقی میان انسان خوب و بد قائل نیستند؛ چرا که احسان به نیکان سبب جذب خیر می‌شود و نیکی به بدان سبب دفع شر است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در ادبیات کلاسیک فارسی نمونه‌هایی بسیار از اشاراتی به جهان آرمان یا آرمانشهر، می‌توان یاد کرد. از سیاوش‌گرد در شاهنامه حکیم طوس گرفته تا اندیشه‌های آرمانی سعدی در مجموعه مقالات «ذکر جمیل سعدی» و نیز نظامی گنجوی که به صورت مستوفی در کتاب استاد زرین کوب با نام «پیر گنج» در جستجوی ناکجا آباد» از آن یاد شده است.

در بعضی کتب همچون دیدار با اهل قلم، برگ‌هایی در آغوش باد و چشمه روشن غلامحسین یوسفی نیز به اختصار، آرمانشهر در شعر بزرگان ادب ایران بررسی شده است. در زمینه ادبیات معاصر، تحقیقات از حد چند کتاب و مقاله (با اشاراتی مختصر به جهان مطلوب سپهری در یکی از شعرهایش) فراتر نمی‌رود. از جمله این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- حقوقی، محمد (۱۳۷۸)، شعر زمان ما، سهراب سپهری، چاپ نهم، تهران: نشر سیمای دانش.

۲- حسینی، صالح (۱۳۷۵)، نیلوفر خاموش، چاپ چهارم، تهران: نشر نیلوفر.

۳- آشوری، داریوش و ... (۱۳۵۹)، پیامی در راه، چاپ اول، تهران: نشر طهوری.

در زمینه تحقیقات پایان نامه‌ای، آقایان خاکپور و محمدرضا عابدی در دانشگاه تبریز و خانم ناهید حیدرزاده، بخشی از پژوهش‌های خود را به صورت کلی (و نه بررسی مفصل یک شاعر) به آرمانشهر شاعران اختصاص داده‌اند.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. آرمانشهر چیست؟

مسأله تعریف آرمانشهر که مقدمه تأمل شایسته درباره این موضوع و نیز برای تلاش در راه تدوین تاریخ آن است، به اعتراف همگان، در عین حال بسیار دشوار و تردید آمیز می‌نماید. «منشأ دشواری، پدیده بسیار رایج آشفتگی در معناست که مبتذل کردن موضوع و بیراهگی مشاجره‌های مربوط به آن تشدیدش کرده‌اند.» (روویون، ۱۳۸۵: ۵)

آرمانشهر، «معادل فارسی واژه اتوپیا که مرکب از دو واژه یونانی "topos" به معنی مکان و "ou" به معنی «نا» است. بنابراین اتوپیا یعنی آنچه در مکان نیست و وجود آن خیالی و آرمانی است. نخستین کسی که این لفظ را به کار برده توماس مور (۱۵۳۵م) انسان‌گرای انگلیسی است. پس از آن، این لفظ را به هر کتابی که یک نظام آرمانی را برای جامعه انسانی تصویر می‌کرد اطلاق کردند. از این قبیل است کتاب شهر آفتاب اثر «کامپلا» (۱۶۳۹م) و آتلانتیس جدید اثر فرانسیس بیکن (۱۶۲۶م).» (منتظمی، ۱۳۸۹: ۱۴۸)

آرمانشهر، نمادی از یک واقعیت آرمانی و بدون کاستی است. همچنین می‌تواند نمایانگر حقیقتی دست نیافتنی باشد. «پیشینه به کارگیری چنین مفهومی به هزاره دوم قبل از میلاد می‌رسد. مثلاً در حماسه گیلگمش، توصیفی از یک بهشت زمینی به دست داده شده است.» (انوشه، ۱۳۸۱: ۳۲)

از افلاطون به عنوان اولین فیلسوف آرمان‌گرای اندیشه غرب نام می‌برند. در واقع آرمانشهر با مفهوم ایده افلاطون هماهنگی کامل دارد. این اندیشه وی را می‌توان در رساله جمهور یافت. در ایران نیز از فارابی به عنوان یکی از بزرگترین نظریه پردازان عرصه آرمانشهری یاد می‌شود که با عنوان «مدینه فاضله» از آن یاد کرده است.

از ادبیات فارسی، اولین رمانی که در آن موضوع آرمانشهر پیش کشیده شده ظاهراً مجمع دیوانگان (۱۳۰۳ش) نوشته صنعتی‌زاده کرمانی است. در عرصه شعر نیز رگه‌هایی از اندیشه

بررسی و تحلیل «آرمان‌شهر» در گلستان سعدی و مخزن الاسرار نظامی / ۱۰۷

آرمان‌گرایانه را در اشعار حافظ، مولوی و به ویژه نظامی گنجوی می‌توان یافت. این موضوع در سام‌نامه خواجو، ترجمه تفسیر طبری، کشف الاسرار و عده الابرار، اسکندرنامه، اقبال نامه و خردنامه اسکندری کاملاً مشهود است.

آرمانشهر ایرانی در ادوار مختلف به اشکال متفاوت ظاهر شده است. این اندیشه در دوران باستان، جنبه اساطیری داشت و پس از اسلام با دین، حکمت و فلسفه آمیخته شد و شکلی نوین به خود گرفت. از شهرهای آرمانی دوران اساطیری، گنگ‌دژ ساخته سیاوش و نیز کشور آرمانی و بی نقص جمشید شاه را می‌توان نام برد.

در دوران پس از اسلام، آرمانشهر ایرانی در سه عرصه قابل بررسی است: در عرصه دین، انتظارات و آرزوهایی که در پیرامون آن پدید آمده، خود به اندیشه آرمانشهری الهام بخشیده است. در عرصه فلسفه، سه تن از بزرگترین حکیمان ایرانی فارابی، ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی مبتکر اندیشه مدینه فاضله می‌باشند. عرصه سوم، الگو یا صورت مثالی آرمانشهری است که حوزه‌های دین و ادب هر دورا در بر می‌گیرد.

۲-۲. زندگی نامه

سعدی شیرازی متولد سال ۱۲۱۰ میلادی (۵۸۹ شمسی) در شهر شیراز است. وی در دانشگاه نظامیه بغداد در علوم فقه، طب، فلسفه، نجوم و قرآن تحصیل کرد. پس از نوشتن گلستان و بوستان از اهل ادب لقب پادشاه سخن را گرفت. نام کامل و خانوادگی وی «ابومحمد مُشرف الدین مُصلِح بن عبدالله بن مشرف» متخلص به سعدی می‌باشد، نام کوچک اش «مصلح» از نام پدر بزرگ پدری اش اخذ شده است. پدرش معلم دین و از کارکنان دربار اتابک بود به این ترتیب از کودکی تحت تعلیم و تربیت پدر قرار گرفت تا اینکه در ۱۲ سالگی پدر را از دست داد و نزد پدر بزرگ مادری خود بنام «مسعود بن مصلح الفارسی» پرورش یافت.

خروج از شیراز در ۱۴ سالگی مقدمات علوم شرع و ادبی را در شیراز آموخت تا اینکه در ۱۴ سالگی بعد از حمله «سلطان غیاث الدین خوارزمشاه» به شیراز راهی سفر طولانی به سمت بغداد شد. تحصیل در بغداد بعد از رسیدن به بغداد از ۱۷ سالگی در مدرسه نظامیه ثبت نام کرد، سپس در کلاس های درس «جمال الدین ابوالفرج عبدالرحمن» حاضر شد. او در این دانشگاه که محل تربیت قاضی، فقیه و محدث اهل سنت بود دروسی از قبل صرف و نحو عربی، حدیث، فقه، اصول، طب، نجوم و فلسفه را فرا گرفت.

سعدی در زمان تحصیل خود از دانشگاه نظامیه، مقرری دریافت می کرد. به مدت ۳۰ سال بعد از پایان تحصیلات، سعدی به عنوان واعظ (سخنران) مشغول شد. که نیاز این شغل سفر به مناطق مختلف و سخنرانی و ارشاد مردم بود. طبق شواهد تا ۴۵ سالگی در شهرهای مختلفی چون دمشق، بعلبک، حجاز، هندوستان، فلسطین، آذربایجان و... سفر می کرد و مشغول تدریس و مواظبه شد. به روایت های مختلف از زندگی نامه سعدی شیرازی این سفر جهانگردی به مدت سی سال به طول انجامیده است. به طوری که از آثار سعدی بر می آید و معاصرینش هم می نویسند در صرف و نحو، لغت، کلام، منطق، حکمت الهی و حکمت عملی مهارت داشت.

سعدی در مدت اقامت خود در دمشق به علت دلگیری از دوستانش، از شغل خود کناره گیری کرده و سر به بیابان می گذارد؛ اما در مسیر اسیر فرنگیان می شود. او مدتی به عنوان غنیمت در شهر طرابلس (لیبی فعلی) به کار اجباری گرفته می شود، اما آنجا توسط یک تاجر باز خرید و آزاد شد. گفته شده است بعد از آزادی او توسط تاجر از بند مسیحیان، سعدی با دختر این تاجر ازدواج می کند و اتفاقاً زنی بدخوی و ستیزه جوی نصیب اش می شود.

بعد از جدایی از آن بار دیگر در صنعا زنی اختیار کرده و کودکی زیبا از آن زن نصیبش می شود؛ اما کودک در عین طراوت پس از مدتی می میرد. سعدی بعد از این واقعه سخت دچار اندوه شد و به

قبرستان رفته و سنگ قبر را کنار می‌زند. اما ناگهان حالش دگرگون شده و از هوش می‌رود؛ وقتی به هوش می‌آید دو بیتی زیر را می‌سراید:

به صنعا درم طفلی اندر گذشت چه گویم کز آنم چه بر سر گذشت
در این باغ سروی نیامد بلند که باد اجل بیخ عمرش نکند

تقریباً سال ۱۲۵۶ میلادی در اواخر ۴۶ سالگی به زادگاه خود شیراز که تحت حمایت «اتابکان فارس» (گروه فدرتمند ترکمی) قرار داشت با احترام خاصی بازگشت زندگی وی همزمان با حضور مغول‌ها در ایران و سقوط یکایک حکومت‌های وقت؛ نظیر «خوارزمشاهیان»، «عباسیان» و «اتابکان فارس» بود. مدتی بعد خود را به «اتابک ابوبکر بن سعدی زنگی» که حاکم فارس بود نزدیک کرد و مانند پدرش به دربار رفت و آمد داشت. سعدی که این نام او از اسم «سعد ابن زنگی» حکمران وقت فارس تخلص گرفته شده است در سال ۱۲۵۷ وقتی ۴۷ ساله بود کتاب بوستان که عمدتاً نظم است را نوشت سپس با این فکر که عمر خود را به بطالت گذرانده و به ایام پیری رسیده است دچار افسردگی شد اما با تشویق دوستان شروع به نگارش کتاب گلستان کرد و در مدت ۵ - ۶ ماه آنرا به پایان رسید.

این کتاب که بعداً از آن به عنوان معجزه یاد می‌کنند فصاحت زبان فارسی را به درجه اعلاء رساند. سبک فعالیت سعدی در ابتدا همان سبک متداول زمان خویش را در نویسندگی در پیش گرفت. بعد به سبک خواجه عبدالله انصاری تمایل پیدا کرد اما طولی نکشید که سبک خاص و مشخصی برای خود ابداع نمود. شهرت سعدی تا پیش از نگارش «بوستان و گلستان» بیشتر به عنوان واعظ و نه شاعر، شناخته می‌شد. نگارش گلستان و بوستان سرآغاز شهرت و بلند آوازی او شد او سپس زندگی خود را صرف سرودن شعر و مراقبه نمود و روزگار خود را با تقدیم شعری یا نصیحتی به امیران و وزیران و طرفداران خود و پذیرش هدایای آنها می‌گذراند.

سعدی شیرازی در نظامیه بغداد تحصیل کرده است و هدف از تأسیس مدارس نظامیه، پرورش افرادی بود که فقه شافعی و کلام اشعری را تدریس کنند. تفکر اشعری در زمان و جغرافیای زندگی سعدی، متداول بوده و همچنین نشانه‌های اعتقاد سعدی به اشاعره در آثار او قابل تشخیص است. طبق روایت و اشعار شکی در اشعری مذهبی بودن سعدی نیست که شافعی یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنتی می‌باشد. احتمال شیعه بودن با وجود دلایل محکم از سنی مذهب بودن وی نشانه‌هایی از ارادت وی به خاندان پیامبر اسلام نیز مشاهده می‌شود. به همین سبب، برخی از علما مانند «قاضی نورالله شوشتری» وی را شیعه قلمداد کرده‌اند. این عالم مدعیست که سعدی در ملاقات خود با «خواجه نصیرالدین طوسی» شیعه بودن خود را اظهار کرده است که چندان مورد استناد نمی‌باشد. نکته قابل توجه در بررسی مذهب سعدی این است که او اصراری به تبلیغ مذهب خود و زیر سؤال بردن سایر مذاهب نمی‌کند و بیشتر به عنوان یک شاعر به انعکاس و تبیین اصول اخلاقی می‌پردازد:

حکایت ۴۸ گلستان:

حکیمی را پرسیدند: از سخاوت و شجاعت کدام بهتر است؟ گفت: آن که را سخاوت است به شجاعت حاجت نیست:

بماند نام بلندش به نیکویی مشهور	بماند حاتم طایی ولیک تا به ابد
چو باغبان بزند بیشتر دهد انگور	زکات مال به در کن که فضله رز را
که دست کرم به ز بازوی زور	نبشته است بر گور بهرام گور

جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید (۵۳۵هـ ق) متخلص به نظامی و نامور حکیم نظامی، شاعر و داستان‌سرای ایرانی و فارسی‌گوی در سده ششم هجری (دوازدهم میلادی)، که به‌عنوان صاحب سبک و پیشوای داستان‌سرایی در ادبیات فارسی شناخته شده است.

آرامگاه وی در حاشیه غربی شهر گنجه قرار دارد. نظامی در زمره گویندگان توانای شعر فارسی است، که نه تنها دارای روش و سبکی جداگانه است، بلکه تأثیر شیوه او بر شعر فارسی نیز در شاعران پس از او آشکارا پیداست.

نظامی از دانش‌های رایج روزگار خویش (علوم ادبی، نجوم، فلسفه، علوم اسلامی، فقه، کلام و زبان عرب) آگاهی گسترده‌ای داشته و این ویژگی از شعر او به روشنی دانسته می‌شود. درباره زادگاه پدری او اختلاف نظر است. برخی از منابع او را از اهالی تفرش یا فراهان و برخی او را از طبقه دهقانان (ایرانیان) آران می‌دانند. در رابطه با پدر او، بهروز ثروتیان این بیت در لیلی و معجون را شاهد می‌آورد:

دهقان فصیح پارسی‌زاد از حال عرب چنین کند یاد

بیت اول بند ۳۶ از اهمیت به‌سزایی از نظر تاریخ تحقیق در زندگی و آثار نظامی برخوردار است و آن این‌که شاعر شغل و موقعیت اجتماعی خود را که «دهقان» بوده است و همچنین نژاد او که خود را «پارسی زاده» می‌نامد، به تصریح بیان داشته و هیچ‌گونه تردیدی در صحت بیت و مطلب نیست و با تحقیق درباره دهقانان قرن ششم در آذربایجان و بررسی «پارسی» که آیا نظر او «ایرانی» است یا زبان «پارسی» یا هر دو، گوش‌های از حیات و موقعیت اجتماعی شاعر آشکار می‌گردد.

اثر معروف و شاهکار بی‌مانند نظامی، خمسه یا پنج گنج است که در قلمرو داستان‌های غنایی امتیاز بسیار دارد و او را باید پیشوای این‌گونه شعر در ادب فارسی دانست. شاعر بر روی هم رفته سی سال از زندگانی خود را بر سر نظم و تدوین آن‌ها گذاشته است. خمسه یا پنج گنج نظامی شامل پنج مثنوی است:

مخزن الاسرار: از نمونه‌های بارز ادبیات تعلیمی در زبان پارسی است. در بحر سریع، در حدود ۲۲۶۰ بیت مشتمل بر ۲۰ مقاله در اخلاق و مواعظ و حکمت. در حدود سال ۵۷۰ هجری و در آستانه چهل سالگی شاعر به اتمام رسیده است.

خسرو و شیرین: در بحر هزج مسدس مقصور و محذوف، در ۶۵۰۰ بیت، که به سال ۵۷۶ هجری نظم‌ش پایان گرفته است

لیلی و مجنون: گرچه نام لیلی و مجنون پیش از نظامی گنجوی نیز در اشعار و ادبیات پارسی به چشم می‌خورد، ولی نظامی برای نخستین بار، آن را به شکل منظومه‌ای واحد به این زبان در ۴۷۰۰ بیت به درخواست پادشاه شروان به نظم کشید. نظامی خود از بابت این سفارش ناراضی و بی‌میل بوده است و کار را در چهار ماه به پایان برده است.

هفت پیکر: که آن را بهرام‌نامه و هفت گنبد نیز خوانده‌اند، در بحر خفیف مسدس مخبون مقصور و محذوف، در ۵۱۳۶ بیت، در سرگذشت افسانه‌ای بهرام گور.

اسکندرنامه: در بحر متقارب مثنی مقصور و محذوف، در ۱۰۵۰۰ بیت، مشتمل بر دو بخش اقبال‌نامه و شرف‌نامه که در حوالی سال ۶۰۰ به اتمام رسیده است.

۳. بررسی و تحلیل آرمانشهر در گلستان و مخزن الاسرار

نظامی در مخزن الاسرار جامعه آرمانی با نام «شهر نیکان» دارد.

نظامی در «شهر نیکان» می‌کوشد تا به جامعه اندرز اخلاقی دهد و ابتدا خود با رفتارش به آن جهان مطلوب جامعه عمل بپوشاند، چرا که او به‌خوبی دریافته بود که اگر حکمت عملی را در زندگی فردی و اجتماعی به‌کار بندیم به جهان مطلوب دست خواهیم یافت در اغلب آرمان شهرها، شجاعت به عنوان یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های ساکنان اهل مدینه در نظر گرفته شده است و جایگاه آن در مدینه

فاضله به قدری والاست که بسیاری از متفکران و فلاسفه بخش وسیعی از کتاب خود را به آن اختصاص داده‌اند، از جمله افلاطون در کتاب چهارم از «جمهور» خود به بحث درباره شجاعت پرداخته و آن را از ویژگی‌های مردان جنگی یا معاونان زمامداران و سربازانی دانسته که حافظ مرز و بوم هستند در «مدینه فاضله» فارابی و «اخلاق ناصری» نیز به مفهوم شجاعت توجه شده است، البته شجاعت فقط منحصر به زور بازو و قدرت و فعالیت بدنی نیست؛ شجاعت امری درونی است و نوعی مبارزه با نفس اماره، بنا بر تعریف این بزرگان «شجاعت نوعی غلبه بر نفس است.»

یکی دیگر از ویژگی‌های ساکنان اهل مدینه فاضله سخاوت است، در «شهر نیکان» مخزن الاسرار مانند «اخلاق ناصری»، سخاوت یکی از ارکان اصلی جامعه مطلوب به‌شمار می‌آید. به عقیده ساکنان آرمان‌شهر نظامی، یک جامعه آرمانی همواره با صفت احسان هدایت و اداره می‌شود، در چنین جامعه‌ای به احوال دردمندان و شوربختان و پیران و نیازمندان توجه بسیاری مبذول می‌شود؛ چرا که در عالم «شهر نیکان» همه افراد انسانی با هم همدلی و همدردی دارند.

مردم سعادت جامعه را در گرو آن دانسته‌اند. اهل «مدینه فاضله» نظامی به همه احسان می‌کنند و فرقی میان انسان خوب و بد قائل نیستند؛ چرا که احسان به نیکان سبب جذب خیر می‌شود و نیکی به بدان سبب دفع شر است. سخاوت از اخلاق پیامبران و ستون ایمان است. هیچ مؤمنی نیست مگر آن که بخشنده است و تنها آن کس بخشنده است که از یقین و همت والا برخوردار باشد؛ زیرا که بخشندگی پرتو نور یقین است. هر کس هدف را بشناسد بخشش بر او آسان شود. سخاوتمند از غذای مردم می‌خورد، تا مردم از غذای او بخورند اما بخیل از غذای مردم نمی‌خورد تا آنها نیز از غذای او نخورند. غذای سخاوتمند، داروست و غذای بخیل، درد.

سخاوتمند کسی است که از اموال خود و برای رضای خدا سخاوت داشته باشد، اما کسی که در راه معصیت خدا دست و دل باز باشد، بارکش ناخشنودی و خشم خداست. چنین کسی بخیل‌ترین

مردمان نسبت به خود است چه رسد به دیگران. امام علی علیه السلام: اَلسَّخَاءُ وَالشَّجَاعَةُ غَرَائِزُ شَرِيفَةٌ، يَضَعُهَا اللّٰهُ سُبْحَانَهُ فَيَمَنُّ أَحَبَّهُ وَامْتَحَنَهُ؛ سخاوت و شجاعت خصلت‌های والایی هستند که خداوند سبحان آن دو را در وجود هر کس که دوستش داشته و او را آزموده باشد می‌گذارد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من ادب آموخته خدا هستم و علی، ادب آموخته من است. پروردگارم مرا به سخاوت و نیکی کردن فرمان داد و از بخل و سختگیری بازماند. در نزد خداوند عزّ و جلّ چیزی منفورتر از بخل و بد اخلاقی نیست. بد اخلاقی، عمل را ضایع می‌کند، آن‌سان که سرکه غسل را. (مکارم الاخلاق ص ۱۷)

نقطه مقابل صفت رذیله جبن و ترس همان شجاعت و دلیری است که بحث‌های مربوط به آن در لا به لای مباحث جبن و ترس آمد و هر یک از این دو به قرینه مقابله در غالب بحث‌ها روشن می‌شود، شناخت مفهوم جبن و ترس بدون شناخت مفهوم شجاعت مشکل است، همان گونه که شناخت مفهوم شجاعت بدون شناخت جبن و ترس دشوار می‌باشد. با این حال برای تکمیل بحث‌های گذشته لازم به نظر می‌رسد که توضیحات بیشتری در باره شجاعت و آثار و پیامدهای آن به ویژه از دیدگاه اخبار و احادیث اسلامی داشته باشیم:

در فرمان مالک اشتر که «جامع‌ترین فرمان الهی سیاسی» برای کشورداری است در موارد متعددی به این مساله اشاره فرموده است. در یک جا به مالک هشدار می‌دهد که افراد ترسو و حریص را جزء مشاوران خود قرار ندهد.

در جای دیگر در مورد فرماندهان بزرگ لشکر (یا همه معاونان و کارگزاران) می‌فرماید: «ثم الصق بذوی المروآت و الاحساب و اهل البيوتات الصالحة و السوابق الحسنة ثم اهل النجدة و الشجاعة و السفى ء و السماحة، فانهم جماع من الكرم و شعب من العرف؛ رابطه خود را با افراد با شخصیت و اصیل و خاندان‌های صالح و خوش سابقه برقرار ساز، سپس با افراد شجاع و با شهامت و سخاوتمند و بزرگوار همکاری داشته باش، چرا که آنها کانون بزرگواری و مرکز نیکی هستند!»

بررسی و تحلیل «آرمان‌شهر» در گلستان سعدی و مخزن الاسرار نظامی / ۱۱۵

در اینجا امام (ع) مساله شجاعت و شهامت را از اصول اساسی صفات برجسته انسانی و فرماندهان لشکر یا کارگزاران به طور عام شمرده است.

در حدیث دیگری از همان حضرت می‌خوانیم: «الشجاعة زين، الجبن شين؛ شجاعت زینت است و ترس عیب است.»

و نیز همان حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید: «السخاء والشجاعة غرائز شريفة يضعها الله سبحانه في من احبه و امتحنه؛ سخاوت و شجاعت صفات شریفی است که خداوند سبحان آن را در وجود کسانی که دوستشان دارد و آزموده است قرار می‌دهد.»

پیغمبر اکرم (ص) در مقام ذکر افتخارات اهل بی‌ش هفت صفت را ذکر می‌کند که یکی از آنها شجاعت است. در جای دیگر افتخارات خود و خاندانش را در دو چیز خلاصه می‌کند که باز یکی از آنها شجاعت است. امام زین العابدین علیه السلام در خطبه فرمودند: ای مردم! خداوند شش موهبت به ما عطا فرموده و به هفت چیز ما را برتری داده است. آن شش موهبت عبارت است از علم، بردباری، سخاوت، فصاحت، شجاعت و محبوبیت در دل‌های مؤمنان.»

شجاعت» معنی وسیع و گسترده‌ای دارد که دلیری در میدان نبرد یکی از شاخه‌های آن است. شجاعت در میدان سیاست، در مسائل علمی، و ابراز و اظهار نظرات جدید منطقی و نوآوری‌ها، و شجاعت در مقام قضاوت و داوری و مانند آن هر کدام یکی از شاخه‌های مهم شجاعت محسوب می‌شود، لذا در بعضی از روایات می‌خوانیم:

«الصبر شجاعة؛ صبر نوعی شجاعت است.» (نهج البلاغه، نامه ۳۳/۵۳)

نتیجه گیری

آرمانشهر یا نیک شهر همواره به عنوان یکی از دغدغه‌های صاحبان خرد و اندیشه و خاصه ادیبان و شاعران بوده و حضوری پررنگ در متون ادبی داشته است. آرمانشهر، نمادی از یک جامعه آرمانی و بدون کاستی است. همچنین می‌تواند نمایانگر حقیقت دست نیافتنی باشد. بشر در طول تاریخ آرزومند دستیابی به جامعه‌ای بوده است که در آن به خواسته‌هایش برسد و معنویت را با آرامش روحی - روانی و بی نیازی مادی درآمیزد. نگارندگان در این مقاله به بررسی جایگاه آرمانشهر یا «مدینه فاضله» در آثار دو تن از بزرگان شعر و ادب فارسی، سعدی و نظامی پرداخته‌اند.

نظامی در مخزن الاسرار جامعه آرمانی با نام «شهر نیکان» دارد. نظامی در «شهر نیکان» می‌کوشد تا به جامعه اندرز اخلاقی دهد و ابتدا خود با رفتارش به آن جهان مطلوب جامه عمل بپوشاند. در اغلب آرمانشهرها، شجاعت و پس از آن سخاوت، به عنوان ویژگی‌های اصلی ساکنان اهل مدینه در نظر گرفته شده است و جایگاه این دو صفت در مدینه فاضله به قدری بالاست که بسیاری از متفکران و فلاسفه بخش وسیعی از کتاب خود را به آن اختصاص داده‌اند.

سعدی شیرازی و نظامی گنجوی دو شاعر صاحب درد و دغدغه، هر یک از زاویه‌ای خاص به ترسیم آرمانشهر شخصی خود پرداخته‌اند. آنها با نگاهی انسان‌گرایانه و کلی‌نگر به مدینه فاضله‌ای اشاره می‌کنند که فارغ از نشانه‌های جغرافیایی، خواه روستا و خواه شهر یا منطقه‌ای خاص، رابطه‌ای منطقی و صحیح میان انسان و خدا و نیز انسان با انسان و انسان با طبیعت در آن حاکم است. این آرمانشهر سعدی، گاه ریشه در گذشته بی رنج انسان دارد و گاه در آینده‌ای دور.

منابع

۱. نهج البلاغه
۲. انوشه، حسن (۱۳۸۱)، دانشنامه ادب فارسی، ج ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۳. روویون، فردریک (۱۳۸۵)، آرمانشهر در تاریخ اندیشه غرب، تهران: نشر نی.
۴. منتظمی، علی و دیگران (۱۳۸۹)، مجله زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، سال اول، شماره ۱۶۵.
۵. مجلسی، باقر (۱۳۷۷)، بحارالانوار، جلد ۲۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶. نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۶)، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ دهم. تهران: قطره.
۷. سعدی شیرازی، مصلح الدین (۱۳۶۸)، به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.